تاریخ اعرابگذاری کتب و مصاحف

شاگرد: اعرابهایی که در کتابها هست، چقدر قابل اعتناء است؟

استاد: سبک طلبگی بنده این است: اول تیک اعراب نرمافزار را بر میدارم تا بتوانم بخوانم. یعنی عبارتی که اعرابگذاری شده است، ذهن بنده را از فضای درج طلبگی در میبرد. لذا تیک اعراب را کلاً بر میدارم. چون راحتتر هستم. ولی علی أیّ حال، عدهای زحمت کشیدهاند. حسابی هم زحمت کشیدهاند. سر جایش هم دوباره تیک را میگذاریم تا از زحمتهای آنها استفاده کنیم. ولی اساساً بهعنوان ذهن یک خبره، اعمال کردهاند. شما میتوانید در ابتدا ذهنتان را از مسیر تحقیق او نبرید. این بهتر است. یعنی بدواً با ارتکازتان، وقتی با عبارتی مواجه میشوید، آن را چطور میخوانید. چه بسا کسی که مواجه شده آن را طور دیگری خوانده است. شما وقتی اعراب او را میبینید، چه بسا معانیای که ارتکازی در ذهن شما میآمد، دیگر نیاید.

شاگرد: متقدمترین نسخهی صحیفهی سجادیه اعراب دارد، در اینجا هم بگوییم خبرهای این کار را کرده است؟

استاد: تقریباً شکی نداریم که اعرابگذاری نبوده و بعدها شده است. ولی اینکه اعراب گذاری از چه زمانی بوده را، نمیدانم. مثلاً نسخهای از نهجالبلاغه هست که سی سال بعد از فوت جناب رضی نوشته شده است. نسخهی آن در نرمافزار دانشنامهی جامع علوی هم هست. به نظرم آن هم اعراب دارد. یعنی آن زمان هم میگذاشتند. بحث خوبی است. ببینیم چه زمانی اعراب میگذاشتند. ظاهرش این است که بعداً گذاشته شده است. توسط کسانی که به سماع حدیث اعراب میگذاشتند. یعنی در صحیفه، صرف اجازه نبوده است، بلکه مینشستند و میخواندند. یکی از آقایان میگفت، برخورد کردم و برایم جالب بود. حتی کتابهای لغت را برای هم میخواندند. او میگوید من کتاب لغت را نزد شیخ خواندم و به من اجازه داد. چه برسد به کتب روایی. لذا اگر این اعرابها از سماع باشد، که غلبه ی ظن هم همین است ...؛ متخصص گذاشته، ولی متخصص عن سماع گذاشته است، نه عن خبرویة. به خلاف کتابهای ما. استاد ما میفرمود، بنده آنجا نبودم. قبلاً در مدرسهی سعادت بود، میفرمودند: به درس حاج آقای حسنزاده میرفتم؛ استاد ما گفت ما درس حاج آقا بودیم. ایشان تقریباً تا هجم ماننده کردند به این خودآموزهایی که در آن زمان درآمده بود. حاج آقا گفتند چرا این طلبهها را با خودآموز بار میآورند؟! دیگر مالّ بار نمیآید! گفتند کسی نشسته بود و میخواست پامنبری حاج آقا کند. گفت بله حاج آقا! تازگی آمدهاند اصول کافی را هم اعرابگذاری کردهاند! یعنی علماء خودشان میخوانند دیگر اعراب نمیخواهد! حالا نگو خود حاج آقای حسن زاده اعراب گذاشته بودند. استاد ما میگفت: حاج آقا معطل نکردند. تا اصول کافی را گفت، گفتند نه آقاجان! ما برای آن چقدر زحمت کشیدهایم! واقعاً هم همینطور است. وقتی میخواهید اسم راوی را اعراب بگذارید، باید چقدر مراجعه کنید تا ضبط آن را ببینید. مثلاً سُدُیر است یا سَدیر است؟

شاگرد: در خودآموز هم زحمت کشیده بودند!

استاد: حال نظر حاج آقا به این صورت بود. می‌خواهم بگویم برای این اعرابگذاری‌ها، زحمت کشیده شده است. اما اینکه چه کسی و کجا، بنده نمی‌دانم.

شاگرد ۲: کار ابن‌مقله می‌توانست در راستای همان کار فرهنگی باشد که ابن‌شنبوذ را کنار می‌زدند؟ یک بخش کار این بوده است که تا مردم با مصاحف مانوس شوند، لذا خط را تغییر دادند. آیا می‌توانست این کار به جهت کمتر شدن مراجعه مردم به اساتیدی مثل ابن‌شنبوذ باشد؟

استاد: ببینید در تغییر خط به خط نسخ هم بر رسم عثمان محافظت می‌کردند. فقط شکل آن عوض شد. لذا لازمه‌اش این نیست که ابن‌شنبوذ را کنار بگذارند.

شاگرد ۲: هر چقدر مصحف بیشتر جا بیافتد، نقل قرائاتی که با مصحف همراهی ندارد، سخت‌تر می‌شد. در بین مردم یک امر منکری می‌شود. وقتی مصحف عثمانی بین مردم رواج پیدا کند ... .

استاد: مصحف عثمانی که رواج داشت.

شاگرد ۲: خیر؛ منظور با خطی است که همه‌ی مردم بتوانند آن را بخوانند و استاد نقشی نداشته باشد.

استاد: این مطلب درست و قابل تحقیقی است. ابن‌مقله، خط نسخ را به جای خط کوفی آورد. رسم المصحف را هم تغییر داد؟! یعنی رسم آن را قیاسی کرد؟! فرمایش شما برای اینکه خودشان انس بگیرند و تند تند بخوانند، این است که ابن‌مقله غیر از اینکه خط را نسخ کرد، آن اختصاصات مصحف که برای مردم سخت بود که خودشان بخوانند و باید از مقری بگیرند را هم، برداشت. مثل خط طاهر خوشنویس. اگر به این صورت نوشته، درست است.

شاگرد ۲: یعنی طبق روایت نباشد.

استاد: بله؛ ولی اگر ابن‌مقله خط را نسخ کرد ...؛ الآن خط عثمان طه خط نسخ است. ولی می‌بینید، اعراب نداشته باشد نمی‌توانید آن را بخوانید. خیلی سخت است. چرا؟ چون بر رسم عثمانی محافظت کرده است.

شاگرد ۲: قرائت‌های مخالف مصحف را عرض می‌کنم.

استاد: آنکه رواج داشت. در اینکه خط نسخ بکند، نمی‌توانند رواج را از بین ببرد. رواجش قبلش هم بود. از قرن دویست به بعد آمده بود. در قرن دوم، خیلی به این صورت نبود. اما از قرن سوم – از دویست تا سیصد - چیزی که از زحمات قراء عشره استقرار پیدا کرد، این بود که رواج مصحف عثمانی به صد در صد رسید. لذا لوازم آن را قبلاً عرض کردم. لذا کار ابن‌مقله آن را می‌توانست بیشتر بکند؛ به این معنا که اصل مصحف رواج پیدا کند. ولی به اندازه‌ی حد نصاب رسیده بود.

و الحمدلله ربّ‌العالمین و صلّی اللّه علی محمد و اله الطیبین الطاهرین.

بازبینی #3
ایجاد شده 28 ژانویه 2024 14:56:46 توسط ... .
به روزرسانی شده 1 فوریه 2024 14:14:06 توسط ... .